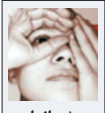




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۸۸۳۴۱۳۸-۴۴
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶-۷

زیبایی و هنر اسلامی



غلامحسین ابراهیمی‌دبائی

در آیات کریمه قرآن داریم و:
ان من شیئی الا و عنده خزائنه وما تنزله الا بقدر معلوم: هیچ چیزی در عالم هستی نیست مگر آنکه مخزن جامع و مانع از انسان شده است که اختلاقی در آن پیدا نشود؛ هر چیزی که در انسان است ولی خود وجود انسان هنر است.
فرو می‌فرستیم (ظاهر می‌کنیم)، در تعریف هنر خیلی صحبت شده است، مثل تعریف زیبایی. بنا به ذکر تعریف نندرام ولی یک تعریف جامع و مانع که همه متفکران پذیرند هنوز وجود ندارد و نخواهد داشت، چرا؟ زیرا هنر از انسان است ولی خود وجود انسان هنر است. حال انسان را تعریف کنید؟ حال فکر می‌کنید یک تعریف جامع و مانع از انسان شده است که اختلاقی در آن آفرینش انسان را به عنوان هنر مطرح کرده است. خداوند جملهای در مقام آفرینش انسان دارد که به نظر می‌آید معنی شگفتی دارد. همه چیز ساخته اراده خداست. ولی خداوند می‌گوید: فَنبَارِكُ اللهَ احْسَنَ الْخَالِقِینَ. خداوند به خودش تبریک می‌گوید چیز عجیبی است! چه تبریکی داشت! مگر چه آفرید؟ هنر بود. آفرینش انسان هنر بود و هنر هم از انسان است. هیچ موجود هنرمندی غیر از انسان در عالم وجود ندارد. جبرئیل و اسرافیل با حیوانات هنرمند نیستند. ممکن است حیوانی را خوب تعلیم دهیم تا برقصد ولی هنرمند نیست. او حالتی انعکاسی و شرطی بروز می‌دهد. پس باید انسان را تعریف کرد و بگویم انسان، حیوان هنرمند است و خودش هم هنر خداست. اسماء‌الله حسنا و همه اسماء که برای خدا به کار می‌بریم از جانب خود خدا رسیده است. ما نباید اسمی را به کار ببریم که از جانب خودش نرسیده باشد. مثلاً کلمه واجب‌الوجود. همه حکما می‌گویند خداوند واجب‌الوجود است. ولی در دعا یا نماز نباید بگویي یا واجب‌الوجود. در صورتی که کلمه خوبی است. علت‌العلل و مسبب‌الاسباب است بلکه باید برای خودش فقط اسم خودش را به کار ببرید. ولی هنرمند را خدا ننگفته است. خدا خیلی اسم‌ها دارد. خالق، عالم، لطیف، خبیر، بصیر و… و به آرای هر اسم و صفت یک مظهر در عالم دارد. حال ببینید عالم هنرمند چقدر گسترش پیدا می‌کند. نقاشی‌های پیکاسو را ببینید. او می‌داند و می‌داند که چیزهایی را تصویر می‌کند که کار نیست. این هنر آدمی است. هرچند فلسفه بحث از عوالم ممکنه بسیار است. هنرمند می‌تواند با این عوالم سر و کار داشته باشد. هنرمند می‌تواند این‌گونه اثر بوجود بیاورد. کار هنرمند زیباست. زیبایی چیست؟ چگونه کار هنرمند زیباست؟ این همه هنرمند است. ممکن است وجود دارد. میکِل آنژ را در نظر بگیرید. فقط یک هنرمند می‌فهمد که مجسمه داود میکِل آنژ چیست؟ یا لیخند ژوئند. چشم تیزبین هنرمند یک ذهن تند می‌خواهد که بداند لیخند ژوئند چیست. زیبایی آن در کجاست و زیبایی در عالم چیست؟ شعر، موسیقی، تئاتر هنر هستند. البته هنر تنها در شعر و موسیقی و تئاتر نیست. هنر در تشستن، راه رفتن و نگاه کردن است. می‌توان هنرمندانه نگاه کرد یا غیرهنرمندانه. راه رفتن، غذا خوردن، سخن گفتن و زندگی هنر است و می‌تواند باشد یا برخی جاهای می‌تواند هنر نباشد. اگر همه چیز هنر باشد آن وقت هنر بی‌معنی می‌شود. ولی هنر واقعاً همه‌جا می‌تواند باشد. حتی عالم را می‌توان منهای هنر تصویر کرد. می‌شود چپانی را تصویر کرد که هیچ هنری در آن نباشد. شاید بشود با احتیاط گفت، شاید بشود چنین عالمی را تصویر کرد. اما اگر بشود تصویر کرد ارزش زیستن ندارد. بنابراین فضای هنر خیلی گسترده است. اینجا به آن آیه قرآن برمی‌گردم و بر کلمه تنزله تاکید می‌کنم. حال نزول گاهی از جانب حق است یا از جانب خودت؛ یعنی هنر از مخزن غیبت به درونت و به قلمت وارد می‌شود؛ شعر می‌گویی و حالی شاعرانه به شما دست می‌دهد. سخنرانی هم چنین است. در خزانه بسته است ولی در لحظه‌هایی باز می‌شود. ما همه به جهان غیب اتصال داریم. لحظه‌هایی در این مخزن باز می‌شود و از غیب به عقل شما می‌آید. از عقل به روح و از روح به نفس ناطقه و جسم و دست شما می‌آید و حرکت می‌کند و می‌شود شعر، نقاشی، مجسمه، خطاطی و… این سلسله‌مراتب برای یک چشم تیز و ذهن آگاه است و وقتی یک اثر هنری می‌بینید یا می‌شنوید مثل خواندن یک شعر حافظ یا دیدن یک نقاشی و مجسمه اتفاق می‌افتد و همین پروسه شما را به جهان غیب برمی‌گرداند. شما با این اثر هنری، هرچه که می‌تواند باشد، می‌توانید به همان مخزن هنر هنر هنر از آنجا آمده است، برگردید. اثر هنری شما را به آنجا می‌برد. این صعود و نزول است؛ یعنی روح و انبساط ماده، روح، ماده را انبساط و گسترش می‌دهد. این هنر معنوی و عرفانی و دینی است. طبق این بیان من، هنر خیلی گسترده می‌شود یعنی در شعر و نقاشی و تئاتر خلاصه نمی‌شود. وحی هم هنر است. نبوت و پیغمبری هم هنر است. اشد انجای هنر است. هنری بالاتر از آن نیست.

نام فیلم‌های متقاضی بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر روز گذشته در حالی اعلام شد که برخلاف انتظار، خبری از آثار فیلمسازان مطرحی چون مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول صدرعاملی و اصغر فرهادی در جشنواره نیست. شاید بتوان جشنواره بیست و نهم را جشنواره غایبان بزرگ نامید؛ جشنوارهای که با وجود حضور ۶۰ فیلم، هنوز در انتظار نام‌های بزرگ است.
■ **جرم، کیمیایی**
مسعود کیمیایی که در چند ماه گذشته اخبار مراحل پایانی فیلم اخیرش «جرم» در رسانه‌ها منتشر شده است، انگار این‌بار هم ترجیح داده فیلم را در جشنواره شرکت ندهد. قصه آخرین حضور کیمیایی در جشنواره فیلم فجر به فیلم «سربازهای جمعه» و جشنواره بیست‌ودوم برمی‌گردد. «سربازهای جمعه» در جشنواره مورد انتقاد منتقدان قرار گرفت و تنها سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش زوم زن را برای میرزا زاری به ارمان آورد. کیمیایی پس از ساخت فیلم «حکم» در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او پرسید چرا فیلم را به جشنواره نمی‌دهید، گفت: «جشنواره فیلم فجر مکان محترمی است ولی جشنواره فیلم‌های خاص خودش را دارد و زیاد به آثار من توجهی نشان نمی‌دهد و فیلم‌های من در جشنواره مورد اقبال قرار نمی‌گیرند.»
پولاد کیمیایی، حامد بهداد و شبنم درویش بازیگران فیلم «جرم» کیمیایی هستند؛ فیلمی که قرار است با دو نسخه دوبله شده و صداسر صحنه در سینماها اکران شود. نام فیلم «جرم» در بین فیلم‌های متقاضی جشنواره بیست‌ونهم نیست.
■ **زندگی با چشمان بسته، صدرعاملی**
انتظار می‌رفت رسول صدرعاملی که «در انتظار معجزه» را در مراحل ساخت دارد با فیلم «زندگی با چشمان بسته» که قرار بود سال گذشته به جشنواره بفرستد حضور در جشنواره فیلم فجر باشد اما نام او هم در میان متقاضیان نیست. او دی‌ماه سال

گذشته درباره عدم حضور فیلم «زندگی با چشمان بسته» در جشنواره بیست و هشتم گفت: «در دوره‌های قبلی جشنواره فیلم با این مشکل مواجه شدم که برای نمایش فیلم در این رویداد سینمایی باید مراحل فنی فیلم را با سرعت بالایی انجام می‌دادم و در نهایت نتیجه‌ای به دست می‌آمد که شاید انتقادهایی را متوجه کار من می‌کرد. بعد از این تجربه تصمیم گرفتم فیلم‌ها را با عجله صرفاً برای نمایش دادن آن در چشمان بسته» در فهرست فیلم‌های جشنواره بیست‌ونهم قرار صورت طبیعی طی شود.» او تاکید کرد حاضر نیست فیلم خود را قربانی آماده‌سازی عجله‌ها برای نمایش در جشنواره‌ها کند. حالا حدود یک سال از آن روزهای می‌گذرد و هنوز نام فیلم «زندگی با چشمان بسته» در فهرست فیلم‌های جشنواره بیست‌ونهم قرار نگرفته‌است. آخرین حضور صدرعاملی در جشنواره فجر به جشنواره بیست‌وهفتم بازمی‌گردد. صدرعاملی در آن جشنواره برای فیلم «هر شب تنهایی» جایزه بهترین فیلم بخش بین‌الملل را دریافت کرد. ■ **بانوی شهر ما، حاتمی‌کیا**
نام فیلم آخر ابراهیم حاتمی‌کیا هم در فهرست فیلم‌های

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۴۵ ■ شماره ۲۲۱ دوره جدید ■ دوشنبه ۶ دی ۱۳۸۹ ■ ۲۱ محرم ۱۴۳۲ ■ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر: کارگردانانی که فورم حضور جشنواره فیلم فجر را پر نکردند

غایبان همیشه حاضر

شیمیا شهریاری



جشنواره فجر به نمایش درآمد و سیمرغ بهترین فیلم را به ارمان آورد. تنها فیلم سینمایی «عوت» را در زائر اجتماعی ساخت و آن را با سرعت بالایی انجام می‌دادم و در نهایت نتیجه‌ای به دست می‌آمد که شاید انتقادهایی را متوجه کار من می‌کرد. بعد از این تجربه تصمیم گرفتم فیلم‌ها را با عجله صرفاً برای نمایش دادن آن در چشمان بسته» در فهرست فیلم‌های جشنواره بیست‌ونهم قرار صورت طبیعی طی شود.» او تاکید کرد حاضر نیست فیلم خود را قربانی آماده‌سازی عجله‌ها برای نمایش در جشنواره‌ها کند. حالا حدود یک سال از آن روزهای می‌گذرد و هنوز نام فیلم «زندگی با چشمان بسته» در فهرست فیلم‌های جشنواره بیست‌ونهم قرار نگرفته‌است. آخرین حضور صدرعاملی در جشنواره فجر به جشنواره بیست‌وهفتم بازمی‌گردد. صدرعاملی در آن جشنواره برای فیلم «هر شب تنهایی» جایزه بهترین فیلم بخش بین‌الملل را دریافت کرد. ■ **بانوی شهر ما، حاتمی‌کیا**
نام فیلم آخر ابراهیم حاتمی‌کیا هم در فهرست فیلم‌های

میکروسکوپ خصوصی من: در سالروز تولد ییضایی، «باشو» فراموش شد

ضربان هنر و ضربان اداره بازی

امیر پوریا

amirpouria@gmail.com



میان مدیران فرهنگی دوره و زمانه ما، امیرحسین علم‌الهدی همچنان می‌کوشد روند اکران فیلم‌های خاطره‌انگیز دهه ۶۰ خورشیدی را با اهداف فرهنگی قابل درک و ستودنی‌اش ادامه دهد. او به تازگی در اظهارنظری گفته است دلیل توقف اکران این فیلم‌های قدیمی و «کلاسیک‌شده»، عدم صدور پروانه نمایش مجدد و ضروری برای آنهاست و به طور مشخص، او از فیلم بزرگ «باشو، غریبه کوچک» اثر بهرام بیضایی نام برده که اداره نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی، برای آن مجوز جدید نمایش صادر نکرده است. در حالی که علیرضا بیضادپور رئیس اداره نظارت، مدعی است دلیل این امر، به سادگی، ارائه نشدن فیلمی برای دریافت پروانه نمایش مجدد بوده. اما چون در همان اظهارنظر به منظور «باقی ماندن جا برای اکران فیلم‌های جدید» و «تنگ نشدن فضا برای نمایش فیلم‌های تازه»، دارد به کلی با اکران این فیلم‌های قدیمی و ماندگار مخالفت می‌کند، ناگهان در اینکه گفته‌اش درباره مثال مشخص «باشو…» دقیق از آب دربیاید، شک می‌کند و بعد از گفتن اینکه «به یاد ندارم برای این فیلم درخواست پروانه نمایش شده باشد»، کمی جای شک و راه دررو باقی می‌گذارد: «طبیعتاً قرار هم نیست همه فیلم‌ها در یاد من بماند.»

این نگرانه می‌خواهد چنین بگوید که «باشو…» مثل همه فیلم‌های جدید و قدیمی متقاضی پروانه است و به سادگی می‌تواند به عنوان اسمی میان ده‌ها اسم، از یاد آدم برود. اما آیا واقعاً برای هر فرد پیگیر

سایت اند ساوند بهترین فیلم‌های سال ۲۰۱۰ را انتخاب کرد

خبر آنلاین: دیوید فینچر و آپجانیونگ ویراستاکولر در صدر نظرسنجی سالانه سایت اند ساوند قرار دارند که این موضوع به اعتقاد این نشریه بربریتایی ثابت می‌کند سینمای موفف همچنان زنده است. این نتیجه نظرسنجی سایت اند ساوند ۸۵ منتقد و نویسنده در مورد پنج فیلم برتر سال و مهم‌ترین رویدادهای سینمایی است. فیلم پیروز فهرست اسمال سایت اند ساوند «تیکه اجتماعی» دیوید فینچر است؛ درامی درباره موسس فیس‌بوک که به شکلی دور از انتظار فیلمی موفق از کار درآمده است. در مجموع ۲۰۰ فیلم در فهرست پنج فیلم برتر سال به انتخاب شرکت‌کنندگان در نظرسنجی سایت اند ساوند حضور دارند. نماینده اصلی سینمایی که کاملاً با هالیوود فرق دارد عضو بونمی که می‌تواند زندگی‌های گذشته خود را به یاد بیاورد» به کارگردانی آپجانیونگ ویراستاکولر است که با ۱۹ رأی در رده دوم بهترین فیلم‌های سال قرار

در سینماهای: فرهنگ. پردیس آزادی . پردیس ملت . عصر جدید . پردیس زندگی .ایران . پردیس شکوفه . ماندانا. موزه سینما. جوان . آستارا . پارس . بهمن . کارون . گلریز. حافظ. پیام . پردیس تماشا .

آدمکش

بهرام رادان . مهتاب کرامتی

حامد بهداد

افسانه بايگان ، ليلا اوتادی ، قطب‌الدین صادقی

امير توسلي: آلبوم موسيقي مختار نامه منتشر می‌شود

ايلنا: امير توسلي سازنده موسيقي سرپال مختار نامه در حاشيه افتتاح نمايشگاه عكس اين مجموعه در تالار وحدت گفت: موسيقي اين سرپال به صورت يك آلبوم جداگانه منتشر می‌شود. امير توسلي با اشاره به روند ساخت موسيقي اين مجموعه گفت: همان‌گونه که داستان مختار نامه از اتفاقات کربلا و پيش از آن به سمت قيام مختار حرکت می‌کند، موسيقي متن آن نيز با حال و هواي سرپال تغيير می‌کند. وی ادامه داد: ضبط بخش‌های تازه موسيقي اين سرپال ادامه دارد. ما هم‌اکنون وارد بخش جديدي از موسيقي اين سرپال شده‌ايم که به بخش‌های مربوط به قيام مختار مربوط می‌شود. بخش‌هایی از اين موسيقي در تالار وحدت و با حضور ارکسترال بزرگ ضبط می‌شود. توسلي درباره آرايه موسيقي اين مجموعه به صورت مجزائيز گفت: ساخت موسيقي مختار نامه بخش آخر خود را طی می‌کند. همان‌گونه که گفتیم بخشی از آن در تالار وحدت ضبط خواهد شد و سپس آلبوم موسيقي اين مجموعه به صورت مستقل ارائه می‌شود.

تهران : اذان ظهر۵:۱۲ اذان مغرب ۱۷:۰۸ اذان صبح فردا ۵:۴۳ طلوع آفتاب ۷:۱۳



در حاشیه داستان‌های سلینجر که تنها در

ایران منتشر شده است

اولین منتقد خودتان باشید

جمال میرصادقی

جی‌دی سلینجر از آن آدم‌های غریب روزگار ما بود؛ نویسنده‌ای که خودش اولین نقاد خودش بود و احتمالاً هرگز هم کسی نمی‌تواند مثل خودش سفت و سخت داستان‌هایش را نقد کند. آنقدر داستان‌نویسی برایش جدی بود که یک جای کار به این نتیجه رسید که دیگر دلش نمی‌خواهد خوانندگانش داستان‌های کوتاه اولیه‌اش را بخوانند، سفت و سخت پای ماجرا ایستاد و هیچ وقت نگذاشت بسیاری داستان‌هایی را که در مجلاتی مانند نیویورک منتشر شده بودند، دوباره منتشر کند. با این حال مدت‌ها است که مترجمان ایرانی دست به کار شده‌اند و این داستان‌ها را از مجله‌های آن دوره به فارسی ترجمه می‌کنند و خواننده فارسی‌زبان هم که نام سلینجر را روی این کتاب‌ها می‌بیند با شوق سراش می‌رود. البته نمی‌دانم و نمی‌توانم درباره این ماجرا قضاوت کنم، اینکه چاپ کردن قصه‌هایی که نویسنده‌اش حتی اجازه نداده در آمریکا منتشر شوند درست است یا نه. به هر حال سلینجر از چاپ کتاب‌هایی همچون ناتور دشت، ۹ داستان که در ایران با عنوان نقاش خیابان چهل و هشتم منتشر شده بودند و کارهایی همچون فرنی و رویی راضی بود، برای اینکه آنها در جزء کارنامه جدی خودش می‌دانست. البته که حق هم با او بود، وقتی سراغ نغمه غمگین، هفت‌های یک‌بار آدمو نمی‌کنه، جنگل و گشوه و شانزدهم ژوئرت سال ۱۹۲۴ بروید، می‌بینید که این تصمیم نشان از اقتدار نویسنده بود و نویسنده دلیل قانع‌کننده‌ای برای این مانع شدن دارد، چرا که این داستان‌ها به اندازه کارهای بعدی او تعریفی نداشتند. با این حال خواندن این داستان‌ها هم جلوه‌ای از آثار بعدی او را می‌دهد. آن هم خصوصیت نمایشی عجیبی که در آثار قدرتمند او همچون فرنی و رویی و ناتور دشت مشهود است. با خواندن این داستان‌ها می‌توان فهمید که چطور او رفته‌رفته در فضا سازی و شخصیت پردازی از طریق گفت‌وگو استاد می‌شود.

اما از همه اینها که بگذریم ایسن تصمیم هوشمندانه او اولین تصویری است که موقع خواندن این داستان‌ها سراغت می‌آید. هر چند شاید بتوان ریشه‌های نفرت او از شهرت را در روی آوردن او به عرفان دن جست‌وجو کرد اما اینکه نویسنده‌ای بتواند اصلی‌ترین منتقد خودش باشد هنر عجیبی است و لابد دست یافتن به آن هم کار آسانی نیست. یادم هست سال‌ها پیش وقتی دیگر «تقی مدرسی» را با رمان «ریکلا و تنهایی او» می‌شناختم، او هم جلوی انتشار اولین رمانش را گرفت چرا که خودش هم می‌دانست کار ضعیفی است. راه می‌افتاد تو ی کتافروشی‌ها و بساطی‌ها و هر نسخه‌ای را که پیدا می‌کرد می‌خرد و سر به نیستاش می‌کرد.

برای همین هم دیگر از رمان اول او در نقدها و گفت‌وگوها نامی به میان نمی‌آمد. این رویکرد، رویکرد تازه‌ای نیست اما دست یافتن به آن هم کار آسانی نیست. حتی آنتوان چخوف هم بعدها داستان‌هایش را بازنویسی کرد و از میان خیل انبوه داستان‌هایی که نوشته بود بسیاری را کنار گذاشت. با این حال نمونه‌های دیگری هم بودند، مثلاً احمد محمود هیچ وقت حاضر نشد حتی یک «واو» را در داستانی که منتشر کرده باشد مانده! شاید برای همین هم هست که تنها شاهکارها و کتاب‌های مقتدر او همچون «همسایه‌ها» و «مدار صفر درجه» این روزها همچنان نقل زبان‌ها هستند و شاید این ویژگی در کارهای دیگر او هم وجود داشت و احمد محمود تنها با کشیدن دستی به سر و گوش آنها می‌توانست آنها را هم تبدیل به داستان‌های ماندگار کند.

به هر حال انتخاب با شماست اما تجربه نشان می‌دهد که بهترین منتقد یک نویسنده می‌تواند خود نویسنده باشد.

در گذر زمان: سالروز تولد همفری بوگارت

ستاره‌ای که با او عاشق شدیم

رضا کیانیان



است اما در زمان پس از او ارزش بازیگر به تکرر و تنوع نقش‌های است که ایفا می‌کند. این تکرر و تنوع باعث می‌شود تنبیه‌های همیشگی از پرده سینما بروند و جای خود را به شخصیت‌هایی بدهند که تصویری قبلی از آنها نداریم. تماشاگر هر بار به دیدن همفری بوگارت می‌رود یا بهتر بگوییم به دیدن تیپ همیشگی او می‌رود که یک بار دیگر ببیند چگونه به مرز آلوده شدن، سرانجام نیکي بر بدی پیروز می‌شود و او با حرکتی یکباره به سمت نیکي دور می‌زند. صورت نابزیای همفری بوگارت هم به ماندگاری او کمک می‌کند. ستارگان قبل و مه‌دوره او غالباً از صورت‌هایی به غایت زیبا، متناسب و قد و قواری کشته و بلند برخوردار بودند اما همفری بوگارت نه‌تنه بلند داشت و نه صورت زیبایی، اما چشمانی بزرگ داشت که به شدت ذهنیات او را متجلی می‌کرد و انسان تماشاگر را قانع می‌ساخت که او را دوست داشته باشد. تیپ فقط سرد و بی‌اعتنا بدون پشتوانه احساسات و عواطف بشری، یک تیپ خشنی است. همیشه آن پشتوفه دیدنشدنی است که به ظاهر همدردی بیرونی می‌دهد، همیشه بازیگر باید چیزی را پنهان کند و به تماشاگر اجازه ندهد آن را کشف کند و همفری بوگارت خصلت اصلی تیش را برای کشف تماشاگر می‌گذارد. او در بازی‌هایش کمتر می‌خندد و کمتر گریه می‌کند. خنده و گریه توضیح‌دهنده‌ترین نشانه‌های بیرونی احساسات هر فردی هستند. احساسات آدمی هرچه بی‌لگام‌تر باشد، خنده و گریه او هم بی‌امان‌تر است. دیوانگان نمونه‌های بارز احساسات بی‌لگام هستند و همفری بوگارت نمونه بارز احساسات به بند کشیده شده است.

در گذر زمان: سالروز ترور بی نظیر بوتو

ملاک، مسلمان و تأثیر گذار

صادق زیباکلام



و نقش آفرینی کنند. مطبوعات و رسانه‌های مستقل وجود داشته باشند. انتخابات آزاد سرنوشت سیاسی در پاکستان را رقم بزنند. دیگر نکته درباره خاندان بوتوها درباره مسلمانان آنهاست. آنها وفادار به اسلام بودند، البته معتقد به آن نوع اسلامی که مثلاً اکنون رجب طیب اردوغان به آن باور دارد، در مجموع خانواده بوتو و بی‌نظیر از یک محبوبیت بسیار زیادی برخوردار بودند. و البته این محبوبیت بیشتر در افشار و لایه‌های تحصیلکرده بوده، افشاری که شهرت‌نشین بودند و فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها. اما این خانواده و بی‌نظیر بوتو مخالفانی نداشت. می‌توان از ارتش، مسلمانان رادیکال و تندرو و نیز شماری از ملاکین به‌عنوان سرخشت‌ترین مخالفان بوتو نام برد. بوتو و خانواده‌اش در فعالیت‌های سیاسی خود، به فراسط دریافته بودند که اصلاحات در پاکستان امری اجتناب‌ناپذیر و وقوع آن مسلم است، از این‌رو آنها برای اصلاحات ارضی در پاکستان مانند همان اصلاحاتی که شاه در ایران انجام داد، گام‌هایی برداشته بودند و به همین دلیل برخی اشرف و خواین پاکستان با بوتوها مخالف بودند.